

15-01-2012

عزیز احمد بارز پژوهشگر حقوق مقیم اکسفورد

## آینده مبهم پروژه مصالحه با طالبان

پیش درآمد :

مذاکره که به صلح بانجامد نیاز میرم مردم خسته از جنگ افغانستان است؛ مردم افغانستان در سه دهه جنگ به حد کافی درمانده شده اند آنها سزاوار زندگی باثبات و مرفه اند؛ بدون داشتن برنامه ی مدون برای صلح و مدیر سیاسی مدبر دست یافتن به صلح و ثبات دایمی نا ممکن است و یا دست آورد های دولت و مردم افغانستان را بعد از سال ۲۰۰۱ در پای معامله سیاسی ریخته خواهد شد در آن صورت سوگمنده باید صریحا بگویم که بازنده اصلی مردم خواهند بود.

در مذاکره حکومت افغانستان ی اشراکای بین المللی آن با طالبان موانع و پیچیدگی های معین حقوقی و اختلافات جدی وجود دارد. آیا طالبان حاضراند قانون اساسی افغانستان را که در آن حقوق شهروندان (زنان و مردان) مساویانه پذیرفته شده رعایت کنند؟ آیا گروه طالبان حاضراند روابط راهبردی و عقیدتی شان را با تروریستان بین المللی (القاعده) قطع نمایند و جزء یک روند دموکراتیک در افغانستان باشند؟

گروه طالبان بارها از جانب موسسه عفو بین الملل؛ کمیون حقوق بشر؛ نهادها و شخصیت های جامعه مدنی افغانستان متهم به جنایات جنگی شده اند؛ قانون اساسی و حقوق زنان افغانستان را به رسمیت نمی شناسند و رسما جزء از ایتلاف بین المللی تروریستی هستند و هیچگاهی همکاری شان را با سازمان القاعده رد نمی کنند؛ نام رهبران شان در فهرست سیاه سازمان ملل متحد و فهرست جوایز ملیون دالری پنتاگون قرار دارد .

### مذاکره:

فرایندی است از ترکیب مواضع متضاد که در آن طرف ها مشخص باشند و برای مذاکره اجندای تعیین شده را پذیرفته باشند و مواضع مشترک را روی یک قاعده که تصمیم گیری را نزدیک می سازد بپذیرند .

پایه های نظری مذاکره بر هنجار های حقوقی؛ تحلیل و تجزیه منسجم با اتکا بر نظریه و رفتار عملی طرف ها پی ریزی میشود که منجر به نزدیکی آنها شده و در فرجام به تصمیم گیری منتهی شود. اگر کار شناسان دولت ها یا (طرف ها) از طبقه بندی؛ متمایز کردن - تحلیل و تجزیه منسجم و رفتار های حقوقی طرف مذاکره عاجز باشند؛ مذاکرات دودمدار و لابی های پشت پرده نتیجه نمی دهد و یا به

قطع گفتگو منجر میشود. تصمیم گیری مشارکتی و منطقی ارکان دولتی که استوار بر مبانی حقوقی و منافع ملی باشد در پیروزی مذاکره نقش اساسی را دارا است.

### حکومت افغانستان آغازگر مصالحه:

برنامه اصلی حامد کرزی رییس جمهوری افغانستان در کمپاین انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ رابازگرداندن صلح و ثبات در افغانستان تشکیل میداد که مصالحه با طالبان در راس اجندای حکومت فعلی قرار گرفت.

هر باری که صدای صلح حکومت به طالبان رسید طالبان آنرا نپذیرفته و حکومت را دست نشانده امریکا خطاب کردند و شرط اصلی برای مذاکره را خروج بلاقید و شرط نیروهای امریکا و ناتو از افغانستان اعلان کردند اما ریاست جمهوری افغانستان حتی بعد از شهادت استاد ربانی رییس شورای صلح نیز تلاش های صلح جویانه را ادامه داد.

تدویر جرگه ی مشترک امن منطوقی با پاکستانی ها در ماه اسد سال ۱۳۸۶؛ جرگه مشورتی صلح در ماه ثور سال ۱۳۸۹؛ تاسیس شورای عالی صلح و برگزاری لویه جرگه عنعنوی در ماه عقرب سال ۱۳۹۰ را میتوان از تلاش های حکومت درین راستا عنوان کرد.

رییس جمهور کرزی ده ها نماینده قومی و اعضای خانواده خویش را در سال های رهبری خویش (۲۰۰۱ الی ۲۰۱۲) نزد طالبان برای مصالحه فرستاد. مذاکرات عربستان سعودی را در ماه سنبله سال ۱۳۹۰ و مذاکرات جزیره مالدیف در ماه جدی سال ۱۳۹۰ از جمله دیدار ها بودند.

آقای کرزی در مصالحه با طالبان بدنبال چیست؟ صف بلندی از تحیلل گران افغانستانی موافقند که هدف اصلی کرزی تداوم قدرت سیاسی است و نشان دادن یک چهره مستقل و رهبر ملی از خویش.

در صورت که روند مذاکره با طالبان مثبت باشد و در نهایت به باز گشت صلح در افغانستان منجر گردد امری که نمیشود زیاد خوشبین بود چون پذیرش هر نوع نظامی سیاسی مبتنی بر اراده مردم و دموکراسی مخالف تیوری و عقاید سنتی امارت اسلامی طالبان است. طالبان به نظام سیاسی که در آن شهروندان بدون تفکیک جنسیتی حق مساوی داشته باشند باور ندارند حتی رای مرد ها را باهم برابر نمی دانند.

اگر حکومت امریکا بخاطر جلب اراء مردم در انتخابات آینده ریاست جمهوری به نفع خویش با طالبان بر خلاف مفاد قانون اساسی؛ اراده دولت؛ مردم و خصوصا زنان افغانستان معامله کند قربانی اصلی این ماجرا مردم و یا حذر دادن دست آورد های مشترک یک دهه افغانستان و جامعه جهانی خواهد بود.

## پی آمد های شتاب زدگی مصالحه با طالبان :

**الف.** پاکستان را واداشت حلقه های طالبان را که مایل به مذاکره با حکومت افغانستان مانند ملا برادر معاون تحریک طالبان را در سال ۱۳۸۸ زندانی کند و به بقیه رهبران طالبان تفهیم کند که سرنوشت مذاکره بدون مشوره با نظامیان پاکستان به زندان افتیدن و محاکمه است.

**ب.** حکومت و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران را تحریک کرد تا به اصطلاح خط قرمز سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی یعنی دوستی با طالبان عبور نموده و حمایت های مالی و لوژستیکی را در اختیار آنها قرار دهند. نیروهای ناتو و افغان تا اکنون چند بار سلاح و مهمات ایرانی را که توسط نیروهای آنها از طالبان بدست آمده به خبرنگاران نشان دادند اما حکومت جمهوری اسلامی ایران انرا به شدت رد کرد .

**ت.** غربی ها و به ویژه امریکا در در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ بار ها با نمایندگان طالبان در شهر های مونشن ؛ برلین ؛ قطر و ... دیدار کردند ؛ این یک تحول بزرگ است انهایی که دیروز سیاه بودند حالا سفید اند و قابل مذاکره. طالبان و حزب اسلامی حکمتیار دلچسپی در مذاکره با حکومت افغانستان ندارند و حکومت را بی صلاحیت دانسته مذاکرات خویش را با امریکا آغاز کردند.

**ج:** مخالفان سیاسی حکومت جریان اصلی مقاومت در سال های (۱۹۹۶ الی ۲۰۰۱) علیه طالبان بعد از آغاز مذاکرات مخفی و علنی حکومت و امریکا دارند حساسیت بیشتر نشان میدهند این گروه ها به هیچ وجه حاضر نیستند دست آورد های ده ساله را قربانی معامله با طالبان کنند. این گروه ها شامل ائتلاف ملی ؛ جبهه ملی و بعضی احزاب و جریان های اجتماعی و مدنی به شمول شبکه های زنان افغانستان و شخصیت های مستقل ملی اند که مخالف حضور سختگیرانه و تعبیر نادرست طالبان از اسلام اند. حتی در صورت پیشرفت مذاکرات امکان دارد مخالفین سیاسی دولت مجدداً از چند گروه سیاسی به گروه واحدی جهت مقابله با طالبان بسیج شوند .

## نتیجه:

اگر حکومت افغانستان و شرکای بین المللی آن مذاکره و مصالحه را گزینه نهایی فرایند که منجر به ثبات در افغانستان گردد برگزیده اند باید منتظر عملکرد بعدی طالبان بود چون پذیرش هر روند دموکراتیک منجر به تضعیف و نهایتاً نابودی طالبان در دراز مدت خواهد شد .

اگر مذاکرات صلح ناکام گردد که احتمال زیاد آن پیش بینی میشود طالبان و حامیان آنها حملات تروریستی شان را تا پایان حضور نیرو های ناتو (۲۰۱۴) در افغانستان سرعت خواهد بخشید

وانتظار پیشرفت های نظامی بیشتر را محاسبه خواهند کرد.

در صورت ادامه بحران و تشنج بیشتر در روابط ناتو و پاکستان؛ استخبارات نظامی پاکستان تلاش خواهد کرد تا طالبان را منحيث و سيله فشار عليه ناتو تقويت بيشتر نمايد و ناتو تلاش خواهد با كنترول بيشترى زمين و هوا عرصه را بر طالبان و حاميان آنها تنگ تر كند در هر صورت جنگ ده ساله ناتو و حكومت افغانستان در برابر تروريزم بين المللى برنده واقعى نخواهد داشت؛ عوامل زيادى وجود دارد كه منجر به ناكامى جنگ در افغانستان شده است كه مهم ترين ان ناكارامدى حكومت افغانستان و اشتباهات قواى ناتو ميباشند.

در صورت شكست مذاكرات جنگ ادامه پيدا خواهد كرد و حاميان طالبان براى خروج نيرو هاى ناتو در سال ۲۰۱۴ لحظه شمارى مى كنند و نيرو هاى ناتو به حملات شبانه شان جهت شكار فرماندهان طالبان ادامه ميدهند تا اين گروه را از راه مبارزه نظامى نابود كنند؛ امرى كه در ده سال گذشته با وجود تلفات زياد طالبان نا ممكن بود و اما در صورت پيروزى مذاكرات و شريك شدن طالبان در قدرت سياسى مخالفان طالبان شامل احزاب و گروه هاى مخالف و موافق حكومت مانند جمعيت اسلامى؛ حزب وحدت مردم افغانستان؛ جنبش مللى اسلامى؛ ايتلاف مللى؛ جبهه مللى و احتمالا تعدادى ديگرى از احزاب و گروه هاى سياسى اجتماعى مخالف نظريه امارت اسلامى طالبان در جبهه مخالفت قرار خواهند گرفت كه خدائى ناخواسته احتمال برگشت افغانستان به دهه ى نود ميلادى و آغاز در گيرى هاى گروهى دور از انتظار نيست.

شركاى بين المللى افغانستان به ويژه امريكا در مبارزه با تروريزم بين المللى به ركود نظامى؛ اقتصادى و فشار مضاعف شهروندان شان رويرواند افغانستان را در سال ۲۰۱۴ ترك خواهند گفت مگر در صورت امضاي موافقتنامه راهبردى كه منافع امريكا و افغانستان را تا مين كند.

اگر نيرو هاى مطرح سياسى/مدنى و دولت افغانستان به برنامه مللى جهت نجات افغانستان به توافق نرسند جنگ و صلح در افغانستان به نتيجه مطلوب نخواهد رسيد و بازنده اصلى مردم افغانستان خواهد بود.

عزيز احمد بارز

۱۳ مارچ ۲۰۱۲

اكسفورد